

تأثیرپذیری مهدی حمیدی شیرازی از شاعران پیشین

(ص ۳۵۵-۳۳۱)

مهدی ماحوزی^۱، مصطفی عرفانی (نویسنده مسؤل)^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۹/۱۴

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۱۲/۷

چکیده

مهدی حمیدی شیرازی از شاخصترین شاعران سنت‌گرای معاصر در آثار منظوم خود، بیشتر از کدام سبک‌های شعر فارسی و کدام شاعران تأثیر پذیرفته است؟ قبل از پاسخ دادن به این پرسش، ابتدا مختصری در مورد زندگی شاعر به همراه معرفی آثار او بیان شده است. پس از ذکر پیشینه پژوهش، تأثیرپذیری حمیدی شیرازی از شاعران شاخص سبک‌های خراسانی، آذربایجانی و عراقی مورد بررسی قرار گرفته است. بیشترین تأثیرپذیری حمیدی برای بیان مضامین متنوع غنایی، عاشقانه، اخلاقی، اجتماعی و توصیف صحنه‌ها از شاعران سده‌های پیشین در حوزه موسیقی کلام، وزن، قافیه، ردیف، صورخیال، لغات، ترکیبات، تلمیحات، طرز بیان، سطح اندیشگی، باستانگرایی، موارد نحوی و تضمین اشعاری از این شاعرانست که البته همراه با نوآوری‌های خاص او میباشد.^۳

کلمات کلیدی

حمیدی شیرازی، سبک‌های شعر فارسی، شاعران کلاسیک

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

۲. دانشجوی زبان و ادبیات فارسی دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی - واحد رودهن. mosy@maildata.ir

۳. برگرفته از رساله دوره دکتری با عنوان «تحلیل ساختاری و معنایی ادب غنایی در آثار منظوم دکتر مهدی حمیدی شیرازی» به راهنمایی دکتر مهدی ماحوزی و مشاوره دکتر روح‌الله هادی (آتادیار دانشگاه تهران)

مقدمه

مه‌دی حمیدی شیرازی از شاعران بزرگ و از چهره‌های نامی ادبیات معاصر ایرانست. وی در سال ۱۲۹۳ ش. در شیراز پا به عرصهٔ حیات گذاشت. حمیدی تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه «شعاعیه» شیراز و متوسطه را در دبیرستان سلطانی (سلطانیه) همان شهر به پایان برد. وی برای ادامهٔ تحصیلات در سال ۱۳۱۳ ش. به تهران آمد و وارد دانشسرای عالی شد و در سال ۱۳۱۶ ش. در رشتهٔ ادبیات فارسی با رتبهٔ اول موفق به اخذ لیسانس گردید.

در دوران معلمی حادثه‌ای عشقی برای حمیدی پیش آمد و معشوقهٔ او کاری را که «لویرلامارتین» در ادبیات فرانسه کرده بود، در ادبیات ایران انجام داد و از این حیث تاریخ ادبیات ایران این رستاخیز ادبی در حوزهٔ ادب غنایی را تا حدی به طنزیهای او و سوز و گدازهای عاشقانهٔ حمیدی مدیونست (اشک معشوق، حمیدی شیرازی، ص ۵۴۴). کتاب «عشق دربدر» حمیدی شیرازی شاهی روشن و آشکار بر این مدعاست. حمیدی شیرازی پس از چند سال تدریس، دورهٔ دکترای زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران شروع نمود و در سال ۱۳۲۸ ش. از رسالهٔ خود تحت عنوان «شعر فارسی در قرن سیزدهم» زیر نظر بدیع الزمان فروزانفر، احمد بهمنیار و سعید نفیسی دفاع کرد. وی سالها استاد ادبیات دانشگاه تهران بود و عشق و آفری به ادبیات و شعر فارسی داشت و از معدود شاعران معاصر بود که تا لحظاتی پیش از مرگ خود به شعر سرایی ادامه داد. گویی قوت جانش شعر و شاعریش بود. عمر هفتاد و دو سالهٔ وی یکسره صرف تحقیق و پژوهش، تدریس و شعر و شاعری شد. سرانجام وی در بیست و سوم تیرماه ۱۳۶۵ ش. چشم از جهان فرو بست و در حافظیهٔ شیراز به خاک سپرده شد. از آثار حمیدی شیرازی میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

«شکوفه‌ها، پس از یک سال (دیوان)، اشک معشوق، زمزمهٔ بهشت، طلسم شکسته، سالهای سیاه، ده فرمان، فنون و انواع شعر فارسی، فنون شعروکالبدهای پولادین آن، سبکسریهای قلم، عشق در بدر (سه جلد)، شاعر در آسمان، فرشتگان زمین، دریای گوهر، بهشت سخن، شاهکارهای فردوسی، عروض حمیدی، عطار در مثنویهای گزیدهٔ او و گزیدهٔ مثنویهای او، شعر فارسی در قرن سیزدهم (شعردر عصر قاجار)، بحثی دربارهٔ سعدی، ترجمهٔ ماه و شش پنی از سامرست موأم». نکتهٔ قابل ذکر اینکه حمیدی شیرازی از سنگرداران شعر کلاسیک بود و تا لحظه‌های آخر عمر بر سر عقیده خویش استوار ماند.

پرسش مقاله اینجاست که حمیدی شیرازی بعنوان شاعر سنت‌گرای معاصر بیشتر از کدام سبکهای شعر فارسی و کدام شاعران سنتی تأثیر پذیرفته است و آنها را با ظرافت شعری خود درهم آمیخته؟

حمیدی شیرازی هر چند که دارای «سبک تازه و بدیع و خاص» است لیکن در اشعار خود بیشتر از سبکهای خراسانی، آذربایجانی و عراقی تأثیر پذیرفته است. وی میگوید:

به هر سبک و هر بحر و هر شیوه گفتم
که دانند همتا و همدم ندارم
(اشک معشوق، ص ۲۹۳ ب ۱۱)

او در سبک خراسانی به رودکی، فردوسی، فرخی، منوچهری، ناصر خسرو، مسعود سعد سلمان و دیگران ارادت دارد. سبک بیان وی در سوز و گداز و ناله‌های جانسوز در فراق محبوب یادآور سبک مسعود سعد سلمان و ناله‌های وی، در سیاه چالهای عصر غزنوی است. همچنین حال و هوای کلام فرخی سیستانی همه جا در شعر حمیدی موج میزند لیکن از آنجایی که کلام حمیدی بر اساس عشق، محبت و صحنه‌های وصال و فراق محبوب بنیان نهاده شده، وی سوز و گداز درونی خویش را با طرز بیان مؤثر و دلنشینتر ادا میکند. حمیدی در شیوه بیان از نظامی، خاقانی، سعدی و حافظ، شاعران بزرگ سبک آذربایجانی و عراقی نیز تأثیر پذیرفته است. ارادت و علاقه خاص او به این شاعران سبب شده است که در دیوان وی، نام و یاد آنها زیبایی زنده شود. حمیدی گرچه در زبان و سبک بیان شعری کهن به ناصر خسرو و در شیوه روایتگری و داستانسرای به نظامی توجه دارد، ولی زبان شعری او، روان، جاندار، دلنشین و گوشنوازتر است و آهنگ و موسیقی خاص خود را دارد. وی در تجسم صحنه‌ها و مناظر طبیعت و حالات مختلف مانند: وصال، فراق، اسرار و رموز عاشقی آنچنان ماهرست که صحنه‌ها را در جلو چشم مخاطبان مجسم میسازد.

ارادت حمیدی به شاعران پیشین را میتوان در اشعار وی مکرر دید:

تا نپنداری به نظم و نثر دیرین دشمنم شاید از دیگر کسانم بیشتر باشد به یاد ای بسا شاما که مستم کرده تا هنگام صبح وی بسا روزا که بر طرف چمن در دامنم هر یکی را تا فرا سنجم طریق گفتگوی گفته از کلک نظامی خود ندانم چندبار بر مزار لیلی و مجنون گهرها ریخته وی بسا روزا که با آن دلربای دامغان	حاش لله هر چه دارم هست از ایشان ای وزیر چامه خاقانی و مسعود سلمان ای وزیر سعدی و فردوسی و محبوس یمگان ای وزیر خفته تا شب رازگویان خراسان ای وزیر نرم کرده پنجه‌ها با اوستادان ای وزیر نکته‌ها با شاهدان ارمنستان ای وزیر بارها در هفت گنبد گشته مهمان ای وزیر پسته‌ها بشکسته‌ام در صحن بستان ای وزیر.... (شکوفه‌ها ص ۳ ب ۸ - ۱)
---	---

همانگونه که میبینیم، حمیدی ارادت خود را به شاعران بزرگ کلاسیک به زیبایی نشان میدهد. بعلاوه بر مطالعه دواوین این شاعران و تفحص و تحلیل آنها و در کنار پاسداری از

شعر کهن، شعری بدیع و جوان را نیز خواهان است که مخاطبان روزگار خود علاقمند به آن باشند. احاطه وی بر آثار شاعران گذشته و تأثیرپذیری از آنها سبب شده که او اشعاری را از آنان «تضمین» نماید. درباره تضمینهای وی باید گفت: آنچه این تضمینها را زیبا و هنرمندانه نموده، پیوندی است میان ابیات او و ابیات و مصراعهای تضمین شده که زنجیروار و پلکانی با هم ارتباط پیدا میکنند.

نکته دیگر اینکه، این تضمینها با مضمون سخن حمیدی در اشعار عاشقانه، اجتماعی، اخلاقی، فلسفی و متفکرانه، ملی و میهنی و انتقادی متناسبست.

پیشینه تحقیق

تاکنون کتاب، رساله یا مقاله‌ای مستقل در مورد ویژگیهای سبکی و شعری حمیدی شیرازی نوشته نشده است لیکن معاصران و ارباب قلم با عبارتهای کلی و بصورت پراکنده به بیان برخی از ویژگیهای شعری وی پرداخته‌اند. دکتر زرین کوب میگوید: «هیچ چیز شاعر و شعرش را نمیتواند مجبور کند به ترک قالبهای کهنه، تجربه دکتر حمیدی در این باب کافیهست که نشان دهد که اینکار شدنیست، البته قدرت تعبیر می‌خواهد و کوشش صادقانه، حمیدی نوعی رمانتیک است که در فطرت مخصوصاً به دنیای بایرون و هوگو تعلق دارد اما خویشاوندی او بیشتر با شعرای بزرگ خودمان است: ناصر خسرو، نظامی و خاقانی».^(شعر بی دروغ، شعر بی نقاب، زرین کوب، ص ۲۴۲)

دکتر غلامحسین یوسفی که منتقدی منصف است در مورد جایگاه شعر حمیدی شیرازی در ادب فارسی میگوید: «پژوهشگر شعر فارسی معاصر اگر بخواهد به انصاف سخن گوید، جایگاه حمیدی را در شعر سنتی روزگار ما نمیتواند نادیده بگیرد. حمیدی، شاعری را بجد می‌گرفت و با شعر می‌زیست. وی در مقام شاعری معاصر توانسته است آنچه را که به برکت تخیل و اندیشه و ذوق خویش در آفاق شعر احساس کرده، در تصویرهای تازه و دلربا، در قالبهای سنتی شعر به زبانی استوار و ورزیده و خوشاهنگ بیان کند و در اینکار کامیاب شده است».^(چشمه روشن، یوسفی، ص ۶۲)

دکتر مظاهر مصفا در مورد شعر حمیدی با دیدگاه مثبت خویش میگوید: «شعر حمیدی، شعری همه پختگی و پرداختگی، لفظی همه دلکشی، عشقی همه صادقانه و بی ریا، معنایی همه روشن و پاک و زلال، درآمدی استادانه، نشیب و فرازی موزون و دلپذیر، تکراری همه شیرین و دلپسند، قلبی و زیر و بمی همه خوب و بجا، کلامی همه در نرمی نرم و در درشتی درشت، آهنگی در خشم گرفته و قاطع و در لطف، لطیف و پراعتفاف،

حولی و تغییری از حالی به حال دیگر همه موافق و مناسب، بیرون شدی و پایانی همه چابکانه و جلد و شیرین». (فنون شعر و کالبدهای پولادین، حمیدی شیرازی، ص ۱۰)

امیری فیروز کوهی از معاصران حمیدی درباره قدرت قریحه و شعر حمیدی دیدگاه قاطعی دارد و میگوید: «حمیدی از مبدأ فطرت، شاعری بسیار قوی با ملکه فصاحت ذاتی و فصاحت کلامی بدنیا آمده است و این ملکه ذاتی او با ملکه اکتسابی او که عبارتست از لامحاله چهل سال مطالعه در متون شعر فارسی از قرن اول الی یومنا هذا، در وی ملکه ثالثی ایجاد کرده که به اعتقاد من برای بسیاری از شعرای بزرگ مقدر نیست. در تمام دیوان او شما با ابیات سست و نابهنجار و ضعف ترکیب و ضعف تألیف و تعقید زیاد بر نمی خورید. همه اشعارش یکدست، متوازن، موزون و دارای موسیقی کلامست». (همان، ص ۷)

دکتر محمد علی اسلامی ندوشن نیز درباره سبک شعری حمیدی میگوید: «حمیدی حال و طرواتی را که در سخنان فرخی است با سوز و گداز کلام مسعود سعد میامیزد و تار و پودی از دل خود گرفته، بیانات خویش را چنان مؤثر و دلنشین ادا میکند که در موقع خواندن به قول نظامی عروضی: وقت باشد که از اشعار او موی به اندام بر پای خیزد و جای آن بود که آب از چشم برود». (اشک معشوق، حمیدی شیرازی، ص ۵۵۹)

حسن ذوالفقاری در کتاب سیر دلبران در مورد شعر حمیدی مینویسد: «حمیدی نقاد بود و قلمی قاطع و مستدل داشت. وسعت معلومات او به خصوص در فنون شعر و ادب و نقد سخن کم نظیر بود. در تحقیق خود دقت و وسواس فراوان نشان میداد. وی را بت شکن و نوآور لقب داده اند، زیرا نقاط ضعف و قوت شاعران گذشته و حال را میشناخت و آثار آنها را بگونه‌ای علمی نقد میکرد. حمیدی به ادبیات فارسی عشق میورزید و از آن پاسداری میکرد و معلمی دلسوز و توانا بود». (سیر دلبران، ذوالفقاری، ص ۱۳۴)

با توجه به اینکه حمیدی شیرازی از شاخصترین شاعران سنت‌گرای معاصر است؛ تأثیرپذیری وی در سبک شعری از شاعران کلاسیک مورد بررسی قرار میگیرد:

۱. تأثیرپذیری از رودکی پدر شعر فارسی

حمیدی در حوزه روایتگری و توصیف صحنه‌های طبیعی با استفاده از ذکر جزئیات از جمله: رنگ، شکل، صوت، بو و تشبیهات حسی و ملموس از رودکی تأثیر پذیرفته است. وی قصاید زیادی را برون و قافیه و ردیف و شیوه بیان قصاید رودکی سروده است. قصیده «نغمه فروردین» یکی از قصاید شیوای حمیدیست که از جهات مختلف سبکی، تداعیگر شعر معروف «بوی جوی مولیان» رودکی میباشد. نکته قابل ذکر اینکه رودکی شعر خویش را با

وصف طبیعت و تناسب و تقابل میان واژه‌ها و فنون ادبی همراه نموده تا با این شیوه بتواند ساختار شعر را در خدمت مدح «امیر نرسامانی» برای بازگشت از هرات به بخارا قرار دهد و یقیناً در اینکار موفق بوده است. اصولاً «تصویرسازی دو گونه است: یکی از طریق فنون بیانی یعنی با استفاده از تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه و دیگر تصویرسازی با کلمات بدون استفاده از فنون بیانی، بگونه‌ای که کلمات طوری کنار هم چیده شوند که حالت دلخواه شاعر را به خواننده منتقل نمایند». (فارسی عمومی، مجلد، ص ۸۰-۷۹) این سخن به زیبایی در مورد تأثیر پذیری حمیدی در تصویرسازی با توجه سبک رودکی مصداق پیدا میکند. حمیدی در ساختار شعری خویش و از جمله قصیده «نعمه فروردین» با استفاده از عناصر و اجزای طبیعت و صور خیالی همچون: استعاره مصرحه، مکنیه، تشخیص، تشبیه، کنایه و چینش کلمات متناسب در کنار هم، به تصویرسازی میپردازد. علاوه بر این با بهره‌گیری از قافیه و ردیف آهنگین و پرتحرک (آید همی) نوعی شتاب و تحرک را در ساختار شعر ایجاد نموده و موسیقی کناری آنرا پویا و تأثیرگذارتر نموده است. نکته مهم اینکه حمیدی در حوزه ساختار از رودکی تأثیر پذیرفته لیکن این ساختار را بجای مقاصد مدحی شعر رودکی، برای بیان مضامین عاشقانه و توصیف زیباییهای محبوب بکار میگیرد. در ابیات زیر، نمونه‌های فراوانی از فنون ادبی، تناسب واژه‌ها، ترکیبات و فضا سازی با عناصر طبیعت، برای بیان مضامین غنایی با آهنگ خیزابی و ضربی کاملاً محسوس است. ابیات آغازین آن:

از چمن بوی جنان آید همی
بوی عود و مشک و بان آید همی
بانگ مرغ نکته دان آید همی
شستشو را پر زنان آید همی
همچو طبع من روان آید همی
آرزو، دُخت رزان آید همی
کِش خواص زعفران آید همی
کز بر گل دُرفشان آید همی
چون سپیده دم عیان آید همی
چون به گوشم این و آن آید همی

(اشک معشوق، ص ۵۴ ب ۲۶-۱)

فرودین شادی کنان آید همی
زان نسیم دلفروز بامداد
صبحدم از شاخ بید و نارون
و آن بط سیمینه تن زی آبگیر
هرکناری جویباری دلفروز
خسته چشمان خمار آلود را
بشکفد جان مرا بشکوفه‌ها
نگذرد میغی تنگ زان پیشتر
خنده شادی زند برکوه کبک
دختر طبعم برقصد از نشاط

قصیده مذکور حدود ۴۲ بیت دارد که در لغات و ترکیبات، روانی کلام، عنصر عاطفه، فضا سازی، وحدت تصویری در محور افقی و عمودی کلام، انسجام اندیشه و سایر عناصر و ابزارهای ادبی، تأثیرپذیری وی را از پدر شعر فارسی به زیبایی آشکار میسازد و تنها کسی که توانسته است که در تصویرسازیهای غنایی خود به سبک رودکی با توجه به «قصیده بوی جوی مولیان» صحنه آفرینی نماید، حمیدی شیرازی است. «هنوز این قصیده را کسی جواب نگفته است، که مجال آن ندیده‌اند که از این مضایق آزاد توانند بیرون آمد و از عذب گویان عجم یکی امیرالشعرا معزی بود که شعر او در طراوت به غایت است و در روانی و عذوبت به نهایت. زین الملک ابوسعده هندو بن محمد بن هندو اصفهانی ازو درخواست کرد که آن قصیده را جواب گوی. گفت: «نتوانم.» (چهارمقاله، تصحیح محمد معین، ص ۵۴)

۲. تأثیر پذیری از فردوسی

حمیدی از سبک شعری استاد طوس برای بیان مضامین غنایی و عاشقانه، مفاخره و نمایش اوضاع سیاسی و فقر و فلاکت مردم قبل از انقلاب هنرمندانه بهره برده است. درباره تأثیرپذیری حمیدی از فردوسی باید به نکات اشاره کرد:

الف - وی از بحر «مقارن مثنی محذوف» مانند شاهنامه در سرودن مثنویهای انتقادی و سیاسی خود در توصیف اوضاع ایران قبل از انقلاب، بهره برده است. (رک. سال‌های سیاه، ص ۱۲۵-۱۱۹-۷۵). در مثنوی زیر حمیدی، اوضاع و احوال اجتماعی ایران را در سال ۱۳۲۱ ش. به علت اشغال متفقین با فضا سازی بسیار هنرمندانه و پیوند مقدمه با تنه اصلی شعر و ایجاز تصویری با توجه به سبک فردوسی در شاهنامه به نمایش گذاشته است. نمونه‌هایی از این فضا سازی را در شاهنامه در آغاز داستانهای رستم و سهراب، رستم و اسفندیار، داستان کاوه آهنگر و... میتوان مشاهده کرد:

نبرد است و پیکار اهریمنیست
به پیچیده گردون به خز کبود
به تاریکی چرخ بسته میان
هوا چون پشوتن برآورده شور
زده خیمه بهمن، ز مشکین حریر
دگر باره افتاده بیژن به چاه
به کاووس گلبن تبه کرده خواب
به سوک چمن گشته سوسن بنفش

خزانست و روز برهنه تنیست
ز دامان دریا برون جسته دود
تن مهر پوشیده در پرنیان
شده چشم رویین تن دهر کور
کتایون خورشید، پوشیده قیر
فرو رفته در ابر خرگاه ماه
ز جا جسته بادی چو افراسیاب
نگون کرده گل کاویانی درفش

به باغ اندرون جیش اهریمنست
 به تاراج گلین کمر بسته باد
 زمین و هوا زیر کافور و مشک
 روان گشته سیلی زهرگوشه ای
 کنون بوستانبان برهنه تنست

جهان زیر زاغ سیه دامنست
 به هر گلبنی خورده ، بشکسته باد
 دوچشم یتیمان تروچشمه خشک
 نمانده است ازخرمنی خوشه ای
 به دنبال نانست و پیراهنست
 (سالهای سیاه ص ۷۸ ب ۱۳-۱)

همچنین در سرودن قالبهای دیگری از این وزن حماسی در مضامین متنوع غنایی بویژه بعد از فراق محبوب و ناکامی درعشق که زبان شعری وی قاطع و برنده میشود ، بهره میگیرد (رک. اشک معشوق، ص ۵۳۳-۳۴۴-۳۰۵-۳۰۳-۲۴۷-۲۹۰-۱۳۹-۱۰۲-۵۸-۴۷)

ب- در شاهنامه شاخصترین فنون ادبی ، بهره‌گیری از اغراق شاعرانه است. تصویرسازی حمیدی در مفاخرات باتوجه به شخصیت‌های اساطیری و حماسی مانند: رستم ، زال، سیاوش، اشکبوش، کاووس ، سودابه، قارن، فریدون، کاوه ، افراسیاب، کتایون، اسفندیار، بهمن و.. با اغراق شاعرانه، بخش دیگری از تأثیرپذیری وی از سبک فردوسی در شاهنامه است:

زال رویینم که جانفرسایی بند بلا را
 بیژنم کاندز نبرد از نوک تیغ جان شکاری
 خامه‌ای درچنگ دارم چون سنان آتشی
 با جوانمردی به رستم دادم و سیمرغ جان را

گر بمیرد رستمی پروایی از بهمن ندارم
 جان نستیهن کشم باکی ز نستیهن ندارم
 خود دروغ است آنکه گوید نیزه قارن ندارم
 تا نکویندم جوانمردی رویین تن ندارم
 (اشک معشوق، ص ۱۲۶ ب ۸-۵)

تصویرسازیهای حمیدی با توجه به اساطیر ایرانی در توصیف طبیعت با ساختار تلمیح و تشبیه بلیغ ، سبک شعری وی را ممتاز ساخته است. تصاویری همچون: مانند شدن شعله ابر به خون چشم اسفندیار، چرخ به سهراب، پیدا شدن ابر به پیدا شدن سام سوار، رستم به ابر، بهار به فریدون، دی به بیوراسب (ضحاک) و کوه به کاوه با وجه شبه‌های بدیع و بکر، بیانگر آنست که حمیدی در سبک شعری مقلدی محض نیست بلکه از هر ظرفیتی برای هنری کردن شعر خویش بهره میگیرد:

شعله ابرست یا آه یتیم
 یا تو گویی هر زمان سهراب چرخ
 شد سوار ابر سیه از پشت دهر
 ابر رستم بر ستیغ دیو کوه

یا که خون دیده اسفندیار
 خون فشاند از دوچشم اشکبار
 یا پدیدار آمده سام سوار
 بر نشسته همچو شاهی کامکار...
 (شکوفه ها، ص ۷۱ ب ۴-۱)

دامن همت ببرزد تا فریدون بهار
بیوراسبِ دی به چنگ آتشینش شد مهار
با درفش کاویانی کوه را بین کاوه وار
ایستاده در میان دشت هیجا استوار...
(همان، ص ۱۰۷، اب ۲-۱)

ج- باستانگرایی و توجه به واژه‌های قدیمی سبک خراسانی مانند: اندر و اندرون و پیشوند فعلی همی و در حوزه نحوی متصل شدن ضمائر شخصی پیوسته به حروف، جابجایی ضمائر و کاربرد فعل لازم به جای متعدی، تأثیرپذیری حمیدی را از فردوسی و سبک خراسانی هرچه بیشتر آشکار می‌سازد.

برخی نمونه‌ها

منم «اندر» جهان و چشم تری
روزی واز شبان سیاه تری (اشک معشوق، ص ۲۲۷، ب ۱)
بشکفد جان مرا بشکوفه ها
«کش» خواص زعفران آیدهمی (اشک معشوق ص ۵۴، ب ۷)
همی خون خروشم بجای سرشک
همیشه گرفتارم «اندر» پزشکی (شاهنامه مسکوج، ص ۲۰۴، ب ۴)
ددودام وهر جانور «کش» بدید
زگیتی به نزدیک او آرמיד (شاهنامه مسکوج، ص ۱۴، ب ۱)
به پیش آمدم گاه همچون غزالی
بجست از برم گاه همچون سپندی (اشک معشوق، ص ۶۴، ب ۷)

ضمیر «م» در فعل «آدم» مربوط به واژه «پیش» است که به سبب ویژگی سبکی جابجا شده است.

بدو گفت کاین بر من ازمن رسید
زمانه بدست تودادم کلید (شاهنامه مسکوج، ص ۳، ب ۸۹۲)

ضمیر «م» در فعل «دادم» مربوط به واژه «کلید» است که به سبب ویژگی سبکی جابجا شده است.

وایا! چه زود رفت وچه مارا گرسنه «ماند»
غافل که جان زفیض سخنهایش، سیرنیست (دیوان حمیدی، ص ۳۲۶، ب ۴)

نه ارژنگ «ماندم» نه دیو سپید
نه سنجه، نه اولاد غندی، نه بید (شاهنامه مسکوج، ص ۶۶، ب ۶۶۹)

همچنین تضمین شعر، بخش دیگری از تأثیرپذیری حمیدی از استاد طوسست:

«و گر چرخ گردنده پیچد دوال
به گرز گرانش دهد گوشمال»
«که گفتت برو دست رستم ببند
نبندد مرا دست چرخ بلند»
چو دانش نیابند در کشوری
نه شاهی ببینند، نه لشکری
«دریغ است ایران که ویران شود
کنام پلنگان و شیران شود»
(سالهای سیاه ص ۷۸، ب ۴-۱)

۳. تأثیر پذیری از فرخی سیستانی

یکی از شاعرانی که حمیدی در سبک شعری از وی تأثیر پذیرفته، فرخی سیستانیست. «توصیف‌های حسب حالی فرخی غالباً دارای زمینه‌ای تغزلیست که شاعر از حالات گوناگون خود با محبوب سخن میگوید. در این توصیف‌ها رنگ نشاط و وصال آشکارتر از هجران و اندوه است. پنداری که خاطره‌های خوش در ذهن و حافظه شاعر دوامی بیشتر داشته است.» (پرنیان هفت رنگ، امامی، ص ۶۵). تأثیرپذیری حمیدی شیرازی در توصیف جمال و صحنه‌های وصال محبوب، بدون پرده و پوشش به شیوه روایی و پرهیز از اصطلاحات علمی دشوار و همچنین سرودن قصایدی بر وزن و قافیه تغزلهای فرخی کاملاً، آشکارست:

<p>گریه‌ها کرد فسونها بتک افسون ساز عهدهابست و زمن خواست همی پوزشها من بدان اشک دل از کینه بشستم، یعنی دوش تا دیر نخفتم من و او نیز نخفت بوسه‌ها داد و ببوسیدم من آن سرخ لبان</p>	<p>تا رمیده دل من باز بدو آمد باز اشک او باز به تاراج دلش داد جواز «آشتی کردم بادوست پس از جنگ دراز» «به طرب داشت مرا تا به گه بانگ نماز» آن لب شیرین، آن هردو لب افسون‌ساز... (اشک معشوق ص ۸۰ ب ۵-۱)</p>
---	---

که یادآور تغزل زیر از فرخیست:

<p>یاد باد آن شب کان شمسۀ خوبان طراز من و او هر دو به حجره در و می مونس ما گه به صحبت بر من با بر او بستی عهد</p>	<p>به طرب داشت مرا تا به گه بانگ نماز باز کرده درشادی و در حجره فراز گه به بوسه لب من با لب او گفتمی راز... (دیوان فرخی، ص ۶۸ ب ۳-۱)</p>
---	--

اگرچه حمیدی شیرازی از فرخی سیستانی تأثیر پذیرفته است لیکن بهره‌گیری از فنون ادبی همانند تشبیه، استعاره، تشخیص، تلمیح، تضاد، مجاز، حس آمیزی، اسلوب معادله و غیره با زبانی ساده و روان و به شیوه تازه و بدیع برای بیان مضامین غنایی، سبک حمیدی را از سبک فرخی متمایز میسازد:

(تشبیه مرکب)

<p>در به هم کوب و به تندی به سوی من بخرام (مجاز)</p>	<p>چون بهاری که کند تند در بستان باز</p>
--	--

<p>به سخن آی، فسونگر دولب شکرریز (حس آمیزی)</p>	<p>تا ز شکر نکند فخر به گیتی اهواز</p>
---	--

<p>زین سپس شهر من و عشق تو و بوی امید</p>	<p>چه به از شاعر و معشوق وهوای شیراز</p>
---	--

(اسلوب معادله)

چشم تو با دل افتاده کند آنچه کند
با تن صعوه جانباخته چنگ شهباز
(تلمیح)

دانی ای دوست! حدیث غم ما و رخ تو
میکشد از کف محمود سر زلف ایاز
(تضاد و جناس تام)

شوخ چشم من! امروز تورا روز خوشیست
که در هجر فرازست و در باغ فراز
(استعاره و تشخیص)

ناز کن ای دوفریبنده فتان، که هنوز
گوش گردون نشنیده است چنین چشم به ناز
(اشک معشوق، ص ۸۰ ب ۱۰-۶)

نکته مهمی که باید به آن اشاره کرد اینست که: فرخی در دیوان خود با خواست غزنویان و همچنین خوش داشتن خلفای عباسی، به تحقیر اساطیر ایرانی میپردازد، در صورتیکه اساطیر ایرانی در دیوان حمیدی جایگاهی والا دارند و وی از این شخصیت‌های اساطیری و حماسی، جهت توجیه مضامین غنایی، اخلاقی، ملی و میهنی و توصیف طبیعت در شعر خویش بهره گرفته و بکارگیری شاعرانه و عالمانه آنها در شعروی سبب پویایی، بالندگی و ماندگاری آنها شده است. احاطه کامل و علاقه وافر حمیدی به اساطیر و داستانهای ملی و حماسی سبب شده که وی به زیباترین شکل، ساختار شعری خویش را با این عناصر اسطوره‌ای و حماسی، تقویت بخشد. بنابراین سبک شعری حمیدی در سطح اندیشگی با سبک شعری فرخی متفاوت و در این زمینه بر آن تمایز دارد.

۴. تأثیرپذیری از منوچهری دامغانی

بخش وسیعی از اشعار حمیدی را مسمط‌های وی تشکیل میدهد که در موضوعات متنوع سروده شده و در سبک بیان، وزن و قافیه، شیوه وصف، ایجاز، تناسب و جانبخشی به عناصر طبیعت یادآور مسمط‌های منوچهری هستند. نمونه ابیاتی از یک مسمط حمیدی که به تأثیر از منوچهری دامغانی بر وزن (مفتعلن، مفتعلن، فاعلن) سروده شده است:

چهره افروخته دلبران	ناز بتان غمزه‌سیمین بران
عشوه‌گریهای پری پیکران	شوخی و سرمستی بازیگران
گونه بشکفته، رخ آذری	جنبش دریای نه پیداکنار
موج کف آلوده دریاگذار	زندگی و مرگ خزان و بهار
زمزمه آب و نوا بهار	تاب و تنف مهرومه خاوری (دیوان ص ۴۱ ب ۴-۶)

همانگونه که منوچهری میگوید:

آمده نوروز هم از بامداد
 آمدنش فرخ و فرخنده باد
 باز جهان خرم و خوب ایستاد
 مُرد زمستان و بهاران بزاد
 زابر سیه روی سمن بوی راد
 گیتی گردید چو دارالقرار....
 (دیوان منوچهری، ص ۸۶، ب ۳-۱)

«طبیعت آنچنانکه در کلام منوچهری، لامعی و قآنی وصف میشود از سادگی بیان که مقتضای طبیعتست بدور مینماید اما توصیفات حمیدی بویژه قطعه ابر زمستانی او شعر است با جوش و هیجان رمانتیکی و حاکی از ادراک درست از طبیعت و شادیهایش.» (شعر بی نقاب، شعر بی دروغ، زرین کوب، ص ۱۴۸). بنابراین اگرچه شعر حمیدی در بهره‌گیری از عناصر طبیعت به شعر منوچهری نزدیکست لیکن نکته قابل تأمل، پیوند میان عناصر طبیعت با عواطف و احساسات غنایی در شعر حمیدیست که ساختار شعری وی را سرشار از پویایی و سبکش را ممتاز ساخته است. غیر از قالب مسمط، قصایدی در دیوان حمیدی به تأثیر از قصاید منوچهری سروده شده که در موسیقی کلام، ترکیبات، تشبیهات، استعارات و توصیف صحنه‌ها ارزش هنری بالایی دارند و عنصر عاطفه در آنها از قصاید منوچهری ملموس‌ترست. حمیدی، قصاید زیر را به تأثیر از قصیده معروف منوچهری با مطلع «شب‌ی گیسو فروهشته به دامن» سروده است:

زنوگسترد شام تیره دامن
 به دامن ریخت گیسو شاه زنگی
 چو یوسف دربن چه ماند خورشید
 کژاغند پرنده روز گردید
 شکسته موی من بیکار منشین
 تو را میخواستم دید آخرین بار
 نگه کردن بر آن سیم بخروار
 جهان بر مهرش دتاریک و برمن
 به خون پوشید پیکر ماه ارمن
 شب از خون کرد چون یعقوب دامن
 نهان در زیر زنگ آلوده دامن
 به اندوه جهان خاطر میاکن
 که واجب بود آخر باردیدن
 نظر کردن بر آن مشک به خرمن...
 (اشک معشوق، ص ۲۷۶، ب ۹-۱)

گریبان را بدرم تا بدامن
 چه خون کردم نمیدانم که هر بام
 نمیدانم چه دیدستم که چون شمع
 ورا از برگ گل رنج است برتن
 هنوزم پیش چشم آید هویدا
 که اخترها نمی سازند با من
 ز خون چشم دارم ناشتا من
 ز سر میسوزم امشب تا به پا من
 که کردم آزمایش بارها من
 چو شب بینم به ماه دلربا من:

مهی تابنده رخ برچیده گیسو «شبی گیسو فروهشته به دامن»
(همان ص ۲۱۶ ب ۶-۱)

۵. تأثیرپذیری از ناصر خسرو قبادیانی

در میان شعرای خراسانی، سبک شعری حمیدی به ناصر خسرو نزدیکست. وی قصایدی را به تأثیر از ناصر خسرو سروده که محکم، استوار، قاطع و غرّاست. مواردی که در تأثیرپذیری حمیدی از ناصر خسرو باید به آنها اشاره کرد، عبارتست از:

الف- بعضی از قصاید حمیدی در محتوا، مانند قصاید ناصر خسرو، درونمایه تعلیمی و اخلاقی دارند و با استدلال عقلی و نتایج منطقی همراهند.

ب- از نظر تعداد ابیات طولانی هستند و اغلب بدون تشبیب و تغزل هستند.

ج- در بیشتر موارد وزن و قافیه یکسان دارند.

د- موسیقی شعر حمیدی در اشعار انتقادی، اجتماعی، بیان مفاخره و در لحظات فراق محبوب، همانند شعر ناصر خسرو محکم و غرّاست، لیکن آهنگ شعری حمیدی در توصیف طبیعت و صحنه‌های وصال، بنرمی میگراید.

همچنین باید گفت: شعر حمیدی از پیچیدگیها و دشواریهای شعر ناصر خسرو بدور و واژه‌ها، عناصر و تصاویر در آن تازه است و وی سبک خاص خود را دارد. برای نمونه (رک. دیوان، ص/۱۷۵/۱۱۹/ شکوفه‌ها، ص ۱۴۳/۱۲۲/۱۱۲/۹۱/۴۵/۴۳/۲۰/۹) نکته قابل ذکر اینکه اغلب قصاید ناصر خسرو در توصیف موضوعات اخلاقی، اجتماعی و ستایش خلفای فاطمی مصرست و به مضامین عاشقانه گرایش ندارد لیکن، حمیدی بیشتر از ناصر خسرو برای مقاصد غنایی و عاشقانه بهره میگیرد. حمیدی قصیده زیر را در وصف محبوب به پیروی یکی از قصاید ناصر خسرو با مطلع (نکوهش مکن چرخ نیلوفری را) سروده که آهنگ برخاسته از موسیقی کناری (قافیه وردیف) آن تداعیگر این قصیده معروف ناصر خسروست:

دلارایی و خوبی و دلبری را
که دیدن توانند مردم پری را
برفتن خجل کرده کبک دری را
خزان کرده گلبرگهای طری را
چو در حلقه اختران مشتری را
نماید دل آتشین اخگری را
ندارم سر از عشق گشتن بری را
منم جانشین، سعدی وانوری را

تمامست آیین افسونگری را
ندیده رخس را ندانسته بودم
خرامنده و عشوه را خنده بر لب
گرازان چو آهو بگرد چمنها
میان بتان دیدم آن ماهرخ را
بتا دلبرانوز از تفت عشقت
هنوزت خریدار بازار حسنم
گراو جانشین شکر گشت و شیرین

«درخت من ار بار دانش بگیرد / بزیر آورم چرخ نیلوفری را».....
 (شکوفه‌ها، حمیدی، ص ۱۴۳، ب ۹-۱)

در قصیده زیر حمیدی همانند ناصر خسرو، بدون تشبیب و تغزل، در مذمت هواهای نفسانی، حرص و آز و دوری از شهوت‌پرستی و زیباییهای ظاهری دنیا میگوید:

ای به زیبایی جهان مخمور / وز جوانیت گرم گشته تنور
 گوش دل از نهیب شهوت کر / در کف دیو خودسری مقهور
 تن سپرده به تند باد هوس / گشته زینروی آتشی محرور
 توچه دانی که نفس پروردن / آنچه خواهی نسازدت مستور
 بت شهوت شکن که بت شکنی / بت شکن مرد را کند مشهور
 بت شکن تا شود چو ابراهیم / خرمن آتشت سراجۀ نور
 خنک آن قوم کز سردانش / زیر پابرنهاده مستی و شور
 (شکوفه‌ها، حمیدی، ص ۵۲، ب ۹-۱)

همانگونه که ناصر خسرو میگوید:

ای کهن گشته درسرای غرور / خورده بسیارسالیان و شهر
 چرخ پیموده بر تو عمردراز / تو گهی مست خفته گه مخمور
 شادمانی بدان کت از سلطان / خلعتی فخرآمدومنشور
 (دیوان ناصر خسرو، ص ۱۵۱، ب ۳-۱)

همچنین حمیدی در مذمت ریاکاران و کسانی که به دنبال جاه و مقامات دنیایی هستند، قصیده‌ای به سبک و شیوه یکی از قصاید ناصر خسرو با مطلع «ای هفت مدبر که برین پرده سرایید» سروده که در وزن، قافیه، لحن، درون مایه و پاره‌ای از عناصر و واژه‌ها، تداعیگر قصیده ناصر خسروست:

ای خانه دلها که خدا خانه شما / تعظیم شمارا، که شما قبلۀ مایید
 تایی شناسیم شما را و از اینروی / افسوس خورانیم که با پشت دوتایید
 یک بند نتانید گشودن ز پرمغ / دلتان خوش از این ژاژ که صد نکته گشاید
 آنرا که نه در خورد پرستش بپرستید / و آنرا که نه در خورد ستایش بستایید
 این مردم سرگشته ندانند و نگشتند / درکشور معنی که امیرالامرایید.....
 (دیوان حمیدی، ص ۱۷۵، ب ۵-۱)

ناصر خسرو نیز میگوید:

ای شعر فروشان خراسان بشناسید / این ژرف سخنهای مرا گر شعرا یید
 بر حکمت میری ز چه پایید چو از حرص / فتنۀ غزل و عاشق مدح امرایید

یکتانشود حکمت مرطبع شما را تا برطمع مال شما پشت دوتا یید
آنرا که ببا یدش ستودن بنکوه ید و آن را که نکوه یدن شاید بستا ید.....
(دیوان ناصر خسرو، ص ۱۲۳، ب ۴-۱)

بخش دیگری از تأثیرپذیری حمیدی از ناصر خسرو، تضمین اشعاری از اوست و در این شیوه موفق عمل کرده است:

سیرشدم دیهقان زخوشه و خرمن «دیربماندم در این سرای کهن من»
ماندم، ماندم، فرار از عرصه گردون «تا کهنم کرد صحبت دی و بهمن»
ز آمدن فرودین و رفتن آبان «سود ندیدم جز آنکه سوده شدم تن»
آنکه بزدا تشم به خرمن هستی «سوزد نارش به هر دو عالم خرمن»
اندک اندک کسی به گوشم گوید «نیست تورا عالم فرودین مسکن»
روشن و تابنده باش تا بروی نیک «بادل روشن به سوی عالم روشن»
اینکه پی دل روی و از پی دلدار «آب همی کوبی ای رفیق به هاون»
داد تورا جای آن که برد، همه چیز «ایزد دادار دادگستر ذوالمن».....
(دیوان حمیدی ص ۲۷۴، ب ۲۱-۱)

سعد سلمان

تأثیرپذیری حمیدی از قصاید «حبسیه» مسعود سعد در واژه‌ها، ترکیبات، سادگی و روانی و تضمین ابیاتی از آنها، با همان وزن و قافیه در جهت بیان احساسات غنایی بعد از ناکامی در عشق، هر خواننده‌ای را متأثر می‌سازد. گرچه مسعود سعد در سیاهچالهای غزنویان و از جمله زندان نای، در دوری عزیزان، همانند نی ناله سر میدهد و حبسیه سرایی میکند، لیکن حمیدی در سیاهچال فراق محبوب، از سر حسرت آنچنان مرثیه سرایی میکند که شعرش حالت نوحه و زاری به خود میگیرد. در دو بیت زیر طنین موسیقایی رکن (مستفعلن) انعکاس احساسات درونی اوست:

چون مرغ شب‌داند خدا خون میچکد از نای من وز لب نماید برون آرام و آسان وای من
این امشب خونین من و آن نکبت فردای من از محبس مسعود شد بدتر حصار نای من
(اشک معشوق، ص ۳۸۳، ب ۴-۳)

هرچند حمیدی از مسعود سعد تأثیر پذیرفته اما وی مقلدی صرف نیست زیرا غنای شعر او بیشتر مدیون قدرت قریحه و تخیل اوست که ساختار شعرش را هنرمندانه در خدمت مضامین غنایی قرار میدهد و این از یکسو مدیون فنون ادبی از جمله: اغراقهای شاعرانه، متناقض‌نمایی، استعاره، تشخیص، تشبیه، تکرار و تناسب واژه‌ها و از سوی دیگر

فوران عنصر عاطفه در آنهاست که اشک از دیدگان مخاطبان صاحب‌دل جاری می‌سازد. در ابیات زیر شاعر با فنون ادبی مانند: متناقض‌نمایی (تیره شدن دل بر اثر فروغ عشق)، اغراق و تشخیص (خون شدن جگر از دست آسمان)، استعاره (ماه سیمبر-گهر)، تکرار عاطفی (کاروان، کاروان و میروم، میروم) و تناسب بیشتر واژه‌ها و ترکیبات، صحنه کوچ شاعر و دوری از محبوب را همانند شاعران عهد بادیه لیکن با زبانی تازه به نمایش می‌گذارد:

شاهدم اشک چشم و چشم ترم
جان من آن زجان عزیزترم
خون شد از دست آسمان جگرم
جست آتش ز تربت پدرم..
(همان، ص ۲۶۳ ب ۱۱-۸)

کامشب از هر شبی نژندترم
آب آتش نشان دو چشم ترم
میچکد خون دیده از بصرم
آرزوهای ماه سیمبرم
«تیروتیغ است بردل وجگرم»
چهره سایم به تربت پدرم
برمزار برادران گهرم
بر سر خانه هایشان گذرم
از جهان در نمی‌رود اثرم
گرچه خم شد ز بار غم کمرم
رفتم و بر قفا همینگرم
اشک معشوق و عشق در پدرم...
(اشک معشوق، ص ۲۷۹ ب ۱۲-۱)

من ز مسعود تیره روز ترم
جان او را گرفت دشمن جان
تیره شد از فروغ عشق دلم
خسته شد مادرم ز ناله من

میتوان خواند از دو چشم ترم
میزند هر زمان بر آتش دل
بار پیچیده را چو میبینم
من در این شهر کرده ام در خاک
مژه تیز و ابروی کج او
کاروان، کاروان! بمان تامن
بار دیگر بریزم از مژگان
زانکه ترسم دگر نیفتد باز
اثر من اگر رود ز جهان
گر چه خون شد ز تیر عشق دلم
دوستان من خداحافظ
میروم، میروم ولی اینجاست

که تداعیگر حبسیه معروف و پوزشنامه جگرسوز مسعود سعد است:

غم و تیمار دختر و پسرم
غم و تیمار مادر و پدرم
از غم و درد آن دل وجگرم
روز و شب با سرشک و با سهم
یا به دیده ستاره می‌شمرم

تیروتیغ است بردل وجگرم
هم بدینسان گدازدم شب و روز
جگرم پاره است و دل خسته
از غم و درد چون گل و نرگس
یا ز دیده ستاره می‌بارم

محنت آگین شدم چنانکه کنون نکنند هیچ شادایی اثرم...
(دیوان مسعود سعد، ص ۳۳۱ ب ۶-۱)

۷. تأثیرپذیری از خاقانی شروانی

حمیدی از خاقانی که یکی دیگر از شاعران بزرگ سبک آذربایجانی (ارانی) است، نیز تأثیر پذیرفته است. وی قصایدی را با وزن و قافیه قصاید خاقانی سروده، گرچه پیچیدگی زبان خاقانی را ندارند اما به سبک خاقانی در تشبیهات، استعارات و کنایات نزدیکند. بدیهیست آوردن قصایدی با همان وزن و قافیه مشابه با قصاید خاقانی دلیل بر پیروی مطلق حمیدی از خاقانی نمیباشد. زیرا بیشترین اشعار حمیدی زابیده اندیشه بلند و قریحه توانای اوست. البته سرودن اشعاری بر وزن و قافیه اشعار خاقانی بیشتر مربوط به منظومه «شکوفه‌ها» که حمیدی این اثر را در بیست و سه سالگی سروده، میباشد و صاحب‌نظران زیادی با انتشار این اثر مؤذنه ظهور شاعر بزرگی را داده بودند. در قصیده «طغیان روح» از حمیدی، زبان محکم، سبک بیان، واژه‌ها و ترکیبات، قافیه و ردیف، تشبیهات، استعارات، تلمیحات سامی و مفاخره، یادآور قصیده خاقانی با مطلع «صبحدم چون کله بندد آه دود آسای من» میباشد:

چون برآید از تن من روح جانفرسای من
بازماند از تپش قلب من و دریای عشق
جای کین ایرج آرد بانگ تخت اردشیر
تیرگی بخت نگر کز چشم بندبهای چرخ
خودندانم باراندوهم و یا مرد نبرد
حافظ گنج الهم از چه میپیچم چو مار
حکمت و اندیشه راطبع من و دیوان من
معجز عیسی است طبعم، اینک این برهان من
همچو اسراییلیان برخاست بوی انتقام
خودشبان وادی ایمن چه دید از من که گفت
تالی خاقانیم کز اشک دارم ناشتا

بر مزار من بخندد بخت غول آسای من
خون کند دست فلک در جام عشق ونای من
عشق این خون سیاوش خورده از رگهای من
بسته دام سیه بادام شد عنقای من
مرگ من سقراط من و این شک سوفسطای من
گر نباشد گنج باد و دیبه و خضرای من
این یکی قسطای من شد آن یکی لوقای من
اژدر موسی است کلکم این ید بیضای من
از محقر خوانچه پر عنصل و تومای من
تا خدا برگیرد از خوان من والسلوای من
«صبحدم چون کله بندد آه دود آسای من»....
(شکوفه‌ها، ص ۴۹ ب ۱-۱)

حمیدی همچنین ابیاتی از قصاید خاقانی را تضمین کرده است:

آتشین کلک ای فریدون ای هزار آوای من
سنگرامن و پناه من تو بودی ای دریغ
این دو بیت دلنشین از کلک خاقانی شنو

گر ترا هم روزگار افکنده از پا، وای من
رای تو اینست و دانی نیست جز این رای من
تا بدانی نیک معنای خود و معنای من

«نافه را کیمخت رنگین سرزنشها کرد و گفت نیک بد رنگی، نداری صورت زیبای من
نافه گفتش یافه کم گو، کایت معنی مراست اینک، اینک حجت گویا دم بویای من»
(دیوان حمیدی، ص ۳۰۴ ب ۵-۱)

۸. تأثیرپذیری از نظامی گنجوی

حمیدی شیرازی، همچنین از نظامی یکی دیگر شاعران سبک آذربایجانی، در شیوه روایی و بهره‌گیری از تشبیهات و استعارات غنایی نیز تأثیر پذیرفته است. بخشی از این تأثیرپذیریها، تصویرسازی و بیان مضامین غنایی با توجه به داستان خسرو و شیرین و اوضاع و احوال عشق و عاشقی میان خسرو با شیرین و شکر و دل بستن فرهاد به شیرین و همچنین داستان لیلی و مجنون نظامیست. اگر بانگاهی عمیق به تصویرسازیهای حمیدی با توجه به منظومه‌های عاشقانه نظامی بنگریم متوجه میشویم که ابتکار و نوآوری حمیدی بگونه ایست که تصاویرش از نظر عناصر عاطفه و تخیل و تجسم صحنه‌ها، فضای خاص خود را داشته و بوی تقلید و تکرار را ندارد. وی با ذکر تمامی حالات و جریانهای عشق و عاشقی و زمان و مکان وصال و فراق، هنرمندانه تمامی مناظر را جلوی چشم مخاطبان، مجسم میسازد.

حمیدی در ابیات زیر با توجه به «تن شستن شیرین در چشمه سار»، در منظومه غنایی خسرو و شیرین با تخیل خلاقانه خود، «تن شستن محبوب را در چشمه سار اشک خویش و چشمه آب» به تصویر میکشد. باید اذعان کرد که این اشعار نازک خیالی و دقت نظر شاعر را در تصویرگری نشان میدهد. تناسب میان واجها (نغمه حروف) و واژهها و با تشبیه بلیغ و مرکب، استعاره، ایهام تناسب، تشخیص و حس آمیزی، تصاویری بدیع را آفریده که عنصر عاطفه در آنها به مراتب بیشتر از اشعار نظامیست:

در میان چشمه اشکم چو رخ شوید چو شیرین این درست آید که خورشید از دل دریا بر آید
(اشک معشوق ص ۱۲۸ ب ۴)

چو شیرین در میان چشمه بنشست نهاد آن بار گیسو بر سر دوش
به آبم رشک میآمد در آن حال که بی اندیشه میرفتش در آغوش
(همان ص ۴۲۴ ب ۱۰-۹)

همانگونه که نظامی میگوید:

در آب نیلگون چون گل نشسته پرنده نیلگون تاناف بسته
زهرسوخا گیسو شانه میکرد بنفشه بر سر گل دانه میکرد
(خسرو و شیرین نظامی، ص ۱۷۰ ب ۵-۴)

در ابیات زیر، به زیبایی بی وفایی معشوق در حق خویش را به بی وفایی خسرو در حق شیرین و پیوستن به شکر (دیگر محبوب خسرو) مانند کرده است:

شکر، شیرینی در کار می‌کرد
(خسرو و شیرین نظامی، ص ۲۷۰ ب ۱۰)

به شکر، عشق شیرین خوار می‌کرد

حمیدی شیرازی نیز می‌گوید :

ز شکر داد بی‌زاری بدان گفتار شیرینم
(اشک معشوق، ص ۱۷۷ ب ۸)

مرا زان اشکها بگسست از دلدار دیرینم

بهره‌گیری از داستان عاشقانه لیلی و مجنون در تصویرگره‌های حمیدی از نظر بسامدی

در درجهٔ دوم اهمیت قرار دارد:

بر سر ز عشق، خرگه رسوایی (همان ص ۲۱۳ ب ۳)
دل‌دادهٔ چهر زشت لیلایم (همان ص ۲۵۵ ب ۳)
زانکه مجنون وز آنکه کوه گنم (همان ص ۲۶۵ ب ۱۵)

مجنون صفت کشم سر به کهسار
مجنون بلا رسیده ام زیرا
کوه در پیش گیرم و صحرا

بخش دیگری از این تأثیرپذیری، تضمین ابیاتی از نظامی است که با مضمون غنایی شعر

حمیدی تناسب دارد:

که گویی میکند جانم به دندان
«مخند، آفاق را بر من مخندان»
(اشک معشوق، ص ۴۷۴ ب ۱۰ - ۹)

چنان در تابم از جان دادن شب
نهان در سینه می‌گیریم که ای صبح

۹. تأثیر پذیری از مولانا جلال الدین محمد بلخی

حمیدی در سرودن مثنویهای متفکرانه و فلسفی خویش همانند «موسی و بت شکن بابل» صاحب سبکست و قدرت ذوق و قریحهٔ خویش را به نمایش گذاشته است. نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد، اینست که وی در بیان و تأکید مضمون مورد نظر خویش در این مثنویها از سبک مولانا در مثنوی تأثیر پذیرفته و آن «تکرار کلمه» در محور عمودی کلام در جهت اثرگذاری بیشتر بر مخاطب است. نمونهٔ زیبای این تأثیرپذیری، تکرار واژه‌های «درد، مرد، نامردم، دُم» در ابیات زیرست که علاوه بر جنبهٔ موسیقایی، تأکید بار معنایی را آشکار ساخته است:

درد این نامردمان، درد دُمست
لیک نتواند ز درد دُم گریخت
مرد را، گر خالی از مردم زید
سوی مردم باید از مردم دوید..
(دیوان حمیدی، ص ۲۵۳ ب ۱۸-۱۵)

دردمردان، درد از نامردمست
گر تواند روبه از مردم گریخت
شیر را ننگ است گر بی دُم زید
گرچه میباید ز درد دُم دوید

در مثنوی معنوی این شیوه بسیار کاربرد دارد. یکی از این موارد داستان «قاضی وجوحی» در دفتر ششم مثنویست. مولانا با تکرار پی در پی واژه «صندوق» آنرا نماد جسم میدانند که باید از صندوق جسم بیرون آمد و از این طریق بار معنایی را برجسته میسازد:

چون ز صندوق بدن بیرون رود او ز گوری سوی گوری میشود
ای خدا بگمار قومی روحمند تا ز صندوق بدنمان واخرنند
خلق را از بند صندوق فسون کی خرد جز انبیا و مرسلون؟
ذوق آزادی ندیده جان او هست صندوق صور میدان او
(مثنوی مولوی، ص ۱۲۶۳ ب ۱۰-۷)

باید گفت: تکرار در شعر حمیدی کلیشه‌ای نیست و به هیچ وجه وی، در این فن ادبی، مقلد بیچون و چرای مولانا نیست. زیبایی تکرار در اشعار حمیدی آنچنان بالاست که وی با استفاده از این عنصر ساختاری، صحنه‌های وصال، فراق، ناز، غمزه، عهدشکنی و حتی جزیترین رموز عشق و عاشقی را به نمایش میگذارد:

راستی را وای بر من این همان سیمین برستم این همان زینده ماهست، این همان افسونگرستم
این همان گل، این همان می، این همان سیسنبستم این همان برگ گل استم، این همان مشک ترستم
(اشک معشوق، ص ۱۶۹ ب ۳-۱)

وای بر من وای! این آتش که میسوزد منم؟ این منم! کاین گونه میسوزد تن و پیراهنم؟!
این منم زینگونه در چنگ بلای غم اسیر این منم کز دور میخندد به غمها دشمنم؟!
(همان ص ۱۸۷ ب ۲-۱)

توازن موسیقایی از راه تکرار نه تنها در اشعار عاشقانه و اجتماعی بلکه در اشعار انتقادی و میهنی حمیدی نیز جایگاه خاص خود را دارد. در ابیات زیر با تکرار عبارت «هیچ میدانید» اوضاع اجتماعی ایران را در سال ۱۳۲۰ ش. همراه با تأکید هنرمندانه نشان میدهد:

هیچ میدانید تاری گشت روز تیره بختان؟ هیچ میدانید گریان گشت چشم کارگرها؟!
هیچ میدانید میگریند شبها پاسبانان؟ هیچ میدانید میلرزد شبها پيله ورها؟!
هیچ میدانید مردان وزنان از تنگدستی رویپوش جامه‌ها را کرده‌اند از آسترها؟!
هیچ میدانید کآن طفلان لرزان برهنه دوش چون پروانه جان دادند با شمع سحرها؟!
(سالهای سیاه ص ۴۲ ب ۴۷-۴۴)

اگرچه حمیدی از شاخصترین شاعران سنت‌گرای معاصرست لیکن برای بیان مضامین غنایی، از ساختاری تازه و نو بهره میجوید. نمونه این ساختار بدیع، تضمین اشعاری از مثنوی مولاناست که هر مصراع از مثنوی را بعنوان یک بیت تضمین نموده و وزن هر مصراع

را ارکان «فاعلاتن فاعلن» قرارداده است تا با ساختار شکنی بسیار هنری و تأثیرگذار عواطف و احساسات خویش را به خواننده القا نماید:

« هر کسی از ظن خود شد به گیتی یار من »
« از درون من نجست هیچ کس اسرار من »
هر که اشکی برفشاند بر من و آثار من
دوست شد بر عشق من دشمن دلدار من..

(اشک معشوق، ص ۲۵۹ ب ۴ - ۱)

۱۰. تأثیرپذیری از شیخ و خواجه شیراز

حمیدی در میان شعرای سبک عراقی بیشتر از همه به همشهریان خویش، سعدی و حافظ توجه داشته است و اصولاً زبان و بیان حمیدی در سادگی و روانی «سهل و ممتنع»، شیرینی و موزونی، فصاحت و بلاغت یادآور کلام سعدی است و همان محبوبیتی که سعدی نزد ادب دوستان داشته، وی نیز داشته است و دارد. همانگونه که «استادی سعدی در شعر عاشقانه مسلم است و احساس حاکم بر غزلهای سعدی عشقت، عشق به زندگی و مظاهر زیبایی.» (چشمه روشن، یوسفی، ص ۲۵۵)

تأثیرپذیری حمیدی از شیخ و خواجه شیراز از آنجایی آشکار میگردد که وی بیشتر از شاعران دیگر غزلیاتی را از آنها تضمین کرده است که الحق غزل تضمین شده، متناسب با مضمون و ساختار غزل حمیدیست و میتوان گفت: که دروزن و قافیه و ردیف، واژه‌ها و ترکیبات، صور خیال، آرایه‌های ادبی، عنصر عاطفه و تخیل و تصویر تداعیگر غزلهای سعدی و حافظ درحوزه سبکیست. به هر حال اگرچه حمیدی شیرازی در سبک شعری از سعدی و حافظ تأثیر پذیرفته، اما «آنچه حمیدی درباب عشق سروده به شعر دیگران نمیانند مصداق بارز شعر لیریک است و تصویری تمام از عوالم و عواطف شخصی، و چون آواز روح است اصالت دارد.» (چشمه روشن، یوسفی، ص ۶۱۷)

حمیدی در بالای یکی از مسمطهای خود تحت عنوان «پاسخ ونوس» نوشته است: «به من گفتند که- محبوب- بر روی شنها، در زیر آفتاب جانبخش زمستان، در کنار باغچه‌ای دراز کشیده، اشک در چشمانش حلقه زده است و این غزل سعدی را زمزمه میکند:

تو هیچ عهدنبستی که عاقبت نشکستی مرا بر آتش سوزان نشانندی و ننشستی

(اشک معشوق، حمیدی، ص ۳۶)

زمزمه این بیت سعدی از زبان محبوب سبب میشود که حمیدی تمام غزل سعدی را با مطلع بالا با مهارت و ذوق هنرمندانه خود تضمین نماید و از این طریق بایی از ابواب عشق را بر شیفتگان خویش بگشاید:

اگر به عهد توأم نیست اعتماد درستی گناه عهد شکستن به من نبندی و مستی
تو بوی عشق نهفتی ، تو تار بسته گسستی «توهیج عهدی نبستی که عاقبت نشکستی

مرا بر آتش سوزان نشانندی و نشستی»

گریستی و از آن گریه‌ام قرار نباشد حدیث عشق نهفتن طریق یار نباشد
کنون به کارچه کوشم که جای کار نباشد « بنای مهر نهادی که پایدار نباشد

مرا به بند بیستی، خود از کمند بجستی»

هزار بار ز عشقت بگفتم و بشنفتی حکایتی که دلت گفته بود باز نگفتی
هر آنچه را که نهفتن سزا نبود نهفتی « خلاف شرط مودت دلم شکستی و رفتی

به احتیاط رو اکنون که آنگینه شکستی.....»

(اشک معشوق ص ۳۷ ب ۶-۱)

درمسمط زیر، وزن روان ، قافیه و ردیفهای آهنگین ، موسیقی جذّاب و سایر تقابلهای و تناسبها و صور خیال، ساختاری هنرمندانه را در حوزه ادب غنایی آفریده .

ای که در ناز و جفا شهره و انگشت نمایی دلبران از تو جدایند و از ایشان تو جدایی
باور از خلق نبودم که خریدار جفایی « من ندانستم از اول که تو بی مهر وفایی

عهد نابستن از آن به که ببندی و نیایی»

ترسم ای دوست که دیدار تو افتد به قیامت پیش طعنم بگذاری و گریزی بسلامت
گر تو یاری نشود خارِ رهم بار ندامت «عشق و درویشی و انگشت‌نمایی و ملامت

همه سهل است، تحمل نکنم بار جدایی» ...

(همان، ص ۸۴ ب ۴-۱)

درمسمط زیر علاوه بر درونمایه عاشقانه، تمامی ظرائف و تصاویر زیبا شناسانه و هنرمندانه از جمله: صور خیال، موسیقی کلام، وزن ، قافیه، واژه‌ها و لحن بیان غزل حافظ، بسیار محسوسست:

گرچو او نیست به گلزار گل زیبایی نیست چون من بجهان بلبل خوش آوایی
بانگ شیدایی من رفت به هر صحرای « در همه دیر مغان نیست چو من شیدایی

خرقه جایی گرو باده و دفتر جایی»

گرچه بد نامی ماشهره به هر برزن و کوست زخم دلدار و دل ما سخن سنگ و سبوست

خنک این زخم که هر لحظه مرا مرهم از اوست « کشتی باده بیاور که مرا بی رخ دوست
گشته هر گوشه چشم از غم دل دریایی ...
گر بتی داد از این پیش بدان طره شکنج یا پی دلبریم بوسه از آن گوی ترنج
دیدمش نیک سرانجام که مارست نه گنج « نرگس ار لاف زد از شیوه چشم تو مرنج
نروند اهل نظر از پی نابینایی »
با من آن مه چه بسا شب که سحر کرد شبان پای آن چشمه که میخواند، شباهنگ و شبان
بوسه میداد به لب تاش ببوسم دو لبان « شرح این قصه مگر شمع بر آرد به زبان
ورنه پروانه ندارد به سخن پروایی »
دست در گردن و آن گردن مینا در دست بوسه بشکست و بدان عهد همه خلق شکست
پاسخ پندکسان داد چه هشیار و چه مست « سخن غیر مگوبا من معشوق پرست
کز وی و جام میم نیست به کس پروایی »
گرچه کس را خبری نیست ز اسرار نهفت عشق از آن روز که بیدار شد و عقل بخت
هیچکس عشق گل و توبه بلبل نشنفت « وین حدیثم چه خوش آمد که سحر گه میگفت
بر درمیکده ای با دف و نی ترسای... »

نتیجه

با توجه به تحلیل انجام شده در باب تأثیرپذیری حمیدی شیرازی از شاعران کلاسیک میتوان گفت: حمیدی اگرچه دارای سبک خاصست، لیکن بعنوان شاعر سنتگرای معاصر اغلب از شاعران سبک خراسانی، آذربایجانی و عراقی تأثیر پذیرفته و به دیگر سبکهای شعر فارسی، فقط در حد تضمین بسنده نموده است. نکته مهم اینکه وی از این تأثیرپذیری سبکی برای بیان مضامین غنایی، اخلاقی و اجتماعی بهره میگیرد. بخشی از تأثیرپذیری حمیدی از شاعران کلاسیک بیشتر در حوزه درونمایه، وزن و قافیه و ردیف، واژگان و ترکیبات، صور خیال، صنایع ادبی، عنصر عاطفه و تخیل و تصویر است. همچنین توجه به واژه‌ها و نحو قدیمی سبک خراسانی تأثیرپذیری حمیدی را از سبک خراسانی هرچه بیشتر آشکار میسازد. بخشی از تأثیر پذیریه‌های حمیدی، تضمین اشعاری از شاعران پیشین بویژه شیخ و خواجه شیراز است. آنچه این تضمینها را زیبا و هنرمندانه نموده، پیوندیست میان ابیات وی و ابیات و مصراعهای تضمین شده که به زیبایی، زنجیروار و پلکانی با هم

ارتباط پیدا میکنند. نکته دیگر اینکه، این تضمینها با مضمون سخن حمیدی در اشعار عاشقانه، اجتماعی، اخلاقی، فلسفی، ملی، میهنی و انتقادی متناسب است.

منابع

۱. اشک معشوق ، حمیدی شیرازی ، مهدی، (۱۳۸۷)، چاپ اول ، شیراز ، انتشارات نوید شیراز.
۲. بلاغت تصویر ، فتوحی رود معجنی ، محمود ، (۱۳۸۶)، تهران ، انتشارات سخن .
۳. پرنیان هفت رنگ ، امامی ، نصرالله ، (۱۳۷۳)، چاپ اول، تهران ، انتشارات جامی .
۴. چشمه روشن ، یوسفی ، غلامحسین ، (۱۳۷۶)، چاپ هفتم، تهران ، انتشارات علمی
۵. چهار مقاله، عروضی سمرقندی ، نظامی (۱۳۸۵) ، چاپ ششم، تهران ، انتشارات جامی.
۶. دیوان اشعار ، حمیدی شیرازی، مهدی، (۱۳۸۳)، چاپ اول ، تهران ، انتشارات عطایی .
۷. دیوان اشعار ، سعد سلمان ، مسعود، (۱۳۳۹) ، چاپ اول، بکوشش رشید یاسمی، تهران، انتشارات ابن سینا
۸. دیوان اشعار، فرخی سیستانی، ابوالحسن علی بن جلولوغ، (۱۳۳۵)، چاپ اول، بکوشش محمد دبیر سیاقی، تهران ، انتشارات اقبال .
۹. دیوان اشعار، منوچهری، ابوالنجم احمد بن قوس احمد، (۱۳۴۷) ، چاپ اول، بکوشش محمد دبیر سیاقی، تهران ، انتشارات زوآر .
۱۰. دیوان اشعار ، ناصر خسرو ، حمیدالدین ، (۱۳۸۶) ، چاپ اول، تصحیح حاج سید نصر الله تقوی ، تهران ، انتشارات اساطیر .
۱۱. سالهای سیاه، حمیدی شیرازی ، مهدی (۱۳۲۵)، چاپ اول، تهران، انتشارات رنگین .
۱۲. سر دلبران ، ذوالفقاری، حسن، (۱۳۸۶) ، چاپ اول، تهران ، انتشارات مازیار .
۱۳. شاهنامه ، فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۷۷)، چاپ اول ، تحت نظر. نوشین، تصحیح متن، ر. علی یف، آ. برتلس، م. عثمانوف، تهران، انتشارات سوره .
۱۴. شعر بی دروغ شعر بی نقاب، زرین کوب ، عبدالحسین ، (۲۳۸۸) چاپ دهم ، تهران ، انتشارات علمی .
۱۵. شکوفه ها، حمیدی شیرازی ، مهدی ، (۱۳۱۷)، چاپ اول، تهران ، انتشارات خاور .
۱۶. طبیعت و شعر در گفتگو با شاعران، شاه حسینی ، مهری، (۱۳۸۰) تهران، انتشارات کتاب مهناز.
۱۷. فارسی عمومی برای تدریس در دانشگاهها، مجد ، امید، (۱۳۸۹) ، چاپ هفتم، تهران، انتشارات امید مجد.

۱۸. فنون شعر و کالبد‌های پولادین آن، حمیدی شیرازی، مهدی، (۱۳۸۲)، چاپ اول، تهران، انتشارات عطایی.
۱۹. کلیات، نظامی، الیاس بن یوسف، (۱۳۷۸)، مطابق نسخه وحید دستگردی، به اهتمام پرویز بابایی، چاپ سوم، تهران، نشر علمی
۲۰. مثنوی معنوی، مولوی جلال‌الدین محمد، (۱۳۵۳)، تصحیح رینولد، نیکلسون، چاپ اول، تهران، نشر امیرکبیر.